



بررسی عوامل تاثیر گذار در هنر معرق کاری دوران قاجار از نگاه جامعه شناسی

سمیه پرتوری

وابستگی دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه هنر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی مارلیک، نوشهر، ایران

محمد نبی نجفی اندرور

دکتری جامعه شناسی، دانشگاه مارلیک، گروه ارتباطات جامعه شناسی

چکیده

در این مقاله، عوامل تأثیرگذار در هنر معرق کاری دوران قاجار از منظر جامعه‌شناسی بررسی می‌شود. هنر معرق کاری یکی از هنرهای برجسته دوره قاجار بود که نمایانگر ترکیبی از هنر، صنایع دستی و فرهنگ ایرانی بود. در این مقاله، به بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که بر هنر معرق کاری در دوره قاجار تأثیر گذاشتند، پرداخته می‌شود. عوامل مورد بررسی شامل ساختار اجتماعی دوره قاجار، نقش و جایگاه هنرمندان و صنایع دستی در جامعه، حمایت شاهان و حاکمان از هنر معرق کاری، و تأثیرات این هنر بر جامعه و فرهنگ قاجار است. این مقاله با استفاده از منابع تاریخی و جامعه‌شناسی، سعی در روشن کردن نقش و اهمیت هنر معرق کاری در دوران قاجار و تأثیرات آن بر جامعه و فرهنگ ایران دارد.

واژگان کلیدی: جامعه شناسی هنر، هنر قاجار، هنر معرق کاری، سیر تحول هنر معرق کاری.



مقدمه

برای شناخت علمی هنر در پیوند با جامعه باتوجه به گستردگی موضوع، جامعه‌شناسی ناگزیر است که ازسویی به بررسی هنر، براساس زیبایی شناسی و واقعیت‌های درون و برون هنر و بیان عاطفی و احساسی آن بپردازد، و ازسوی دیگر، جامعه و مظاهر گوناگون زندگی اجتماعی را با دیدگان همه‌سوی جامعه‌شناسی مدنظر داشته باشد؛ و علاوه بر این، روابطی که آن هنر را با این مظاهر اجتماع بهم پیوند می‌دهد، با نگاه علمی بشناسد و معرفی نماید (راودراد، ۱۳۷۷). چرا که در گذشته اندیشه مخاطب‌شناسی در هنر امری مبهم و ناشناخته بود و تنها رابطه دو عنصر هنرمند و اثر هنری با محوریت فلسفه، زیبایی شناسی و تاریخ هنر مورد توجه قرار میگرفت؛ اما با ظهور نظریه‌های جدید در جامعه‌شناسی و در پی آن جامعه‌شناسی هنر سمت وسویی دیگر یافت و در موضوعاتی چون فرهنگ، معرفت‌شناسی فرهنگ و مخاطبان فرهنگی-هنری ورود کرد، تا بسیاری از پرسش‌ها و چرایی‌های موجود در هنر موردتوجه قرار گیرند (ره‌نورد، ۱۳۸۰). مرور جزئیات شکل‌گیری هنر دوره قاجار حاکی از این واقعیت است که باوجود ورود اندیشه‌های جدید در این دوره و در عصر مشروطه، رهیافت و روش تفکر حاکمان همچنان در حوزه نظام فرهنگی خصوصاً هنر حاکم است و این روش به عنوان شیوه‌ای بی‌رقیب به حیات خود ادامه داد و باقیماند و باوجود کوشش‌های مشروطه‌خواهان نتوانست به طور کامل از گفتمان فرهنگی و عمل واقعی حکمرانان کنار گذاشته شود (عرب بیگی و همکاران، ۱۴۰۲).

ساختار جامعه در دوران قاجار

در اوایل دوره قاجار و به اقتضای شرایط و ساختار فئودالی جامعه، مشتریان کالاهای هنری و حامیان هنرمندان به‌طور عمده از بالاترین اقشار جامعه بودند و هنرمندان به طور محسوسی حیات هنری خود را وابسته به آنان میدیدند؛ از اینرو بیشتر آثار در قالب هنر رسمی تولید میشد. اما با تحولات اقتصادی و ظهور اندیشه اصلاح طلبی، به تدریج از اواخر دوره دوم نقاشی قاجار، بخش عمده‌ای از مشتریان که پیش از این صددرصد وابسته به حکومت بودند، نقش مستقل تری یافتند. اگرچه قدرتیابی قشر تجار خرده پا به صورت یک طبقه اجتماعی، نتوانست خأ ناشی از اضمحلال حمایت‌های درباری و کارگاه‌های سلطنتی را پر کند، اما سفارشات محدودتر و ارزانتری را با مضامین مردمی برای هنرمندان به ارمغان آورد و به حضور این نوع از هنر در جامعه، صورتی مشخص تر بخشید و نقاشی عامیانه با مضامین حماسی-مذهبی در میان مردم رواجی چشمگیر یافت (شایسته فر، ۱۳۸۶: ۷).

درباریان و اعیان و اشراف ایران به پیروی از سرمشق‌های اروپایی خود از روی خودنمایی به نقاشی علاقه نشان میدادند، به نوعی تجمل هنری احتیاج پیدا کرده بودند که نتیجۀ عملی آن رونق کار تصویرگران بود. در چنین محیط فرهنگی و اجتماعی و با رقابت شاهزادگان و طبقات ممتاز شهرهایی چون: تهران، اصفهان، تبریز یا شیراز در جلب هنرمندان، طبعاً گل و بوته سازی، نقش پرندگان روی قلمدان، قاب آینه و جلد قرآن و کتابهای خطی رونقی بیش از گذشته گرفت.

در قرن ۱۳ هـ.ش. از یکطرف جامعه بالقوه خواستار یک تحول اجتماعی و فرهنگی بود و مکتب قاجار که به گونه‌ای از سنت‌های نگارگری ایرانی مایه گرفته بود، دیگر از نظر محتوا و شکل توان ادامه دادن نداشت؛ ازطرف دیگر، نفوذ فرهنگی غرب که از زمان صفویه آغاز شده بود، در این زمان به مرحله‌ای رسیده بود که بتواند بر فکر و ذوق بسیاری از هنرمندان سایه افکند (جعفری، ۱۳۸۷: ۶۸). در این دوره، سبک عامیانه با القابات و الهامات باستان‌گرایانه تلفیق یافت، چنانکه این مسأله درمورد اکثر چهره نگاری شخصیت‌های درباری از جمله چهره‌هایی از فتحعلیشاه با ریش آشوری صدق میکند، و نتیجه آن نوعی شیوه‌گرایی صریح با تمایلات خارجی شد. از این منظر میتوان گفت که صرفنظر از آثاری محدود به ویژه در عرضه نقاشی



هنر تودهای قاجار همچون سیاست تودهای، مشی زیبایی شناسانه به خود میگیرد و اگرچه به کالایی همگانی تبدیل نمیشود؛ اما فرهنگ تودهای به درون آن راه پیدا میکند، به طوریکه موافق با طبع میانمایی است. در تزئینات این دوره اگرچه تنوع فراوان رنگ و فرم به چشم میخورد، اما از آنجاییکه ساخت هنرمند و ارائه اثرش مادی است، بنابراین تمایل به ناسوتی بودن در لابه لای فرم و رنگ متجلی است؛ پس، چون تنوع در ارائه نقوش و رنگها، تنوع در ماده است و بیشتر تعدد و کثرت را بازمی نماید، در تزئینات معماری ایران تا قبل از قرن ۱۰ هـ.ش. تنوع در عین داشتن وحدت متجلی شده است (گودرزی، ۱۳۸۸، ۳۲).

سیر تحول هنر معرق کاری از ایران باستان تا دوران قاجار

معرق کاری یکی از هنرهای سنتی و قدیمی ایران است که در آن از ترکیب چوب، فلز، سنگ و مرمر برای ساخت طرحهای زیبا و پویا استفاده می شود. این هنر در دوره های مختلف تاریخی ایران، از جمله دوران ساسانیان و اسلامی، به عنوان یکی از هنرهای اصیل و محبوب شناخته شده است (علیزاده، ۱۳۹۵).



شکل ۱- تصویری از یک صندلی معرق در دوره قاجار

در دوره قاجاریه، هنر معرق کاری به یکی از مهمترین هنرهای دوره تبدیل شد و در بسیاری از آثار معماری، قلمزنی و دکوراسیون داخلی به کار گرفته شد. در این دوره، هنر معرق کاری به گسترش و توسعه خود پرداخت و با توجه به نیازهای جامعه، فنون و تکنیکهای جدیدی برای ساخت طرحهای معرق کاری توسعه یافت. در دوره پهلوی، به دلیل تحولات



اجتماعی و فرهنگی، هنر معرق کاری به یکی از هنرهای مدرن تبدیل شد و به صورت گسترده در آثار معماری و دکوراسیون داخلی به کار گرفته شد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲).



شکل ۲- یک نمونه تابلوی معرق چوب دوره قاجار

عرب و همکاران (۱۴۰۱)، تحقیقی با عنوان مطالعه و تحلیل شیوهی اجرایی خاتم معرق از دورهی قاجار تا دههی اخیر ارائه دادند. آنها در این تحقیق به ویژگی های فنی تکنیک خاتم معرق و عوامل موثر در بقای هنر خاتم معرق از دوره قاجار تاکنون پرداختند. در این تحقیق کتابخانه ای، با استفاده از روش تجزیه و تحلیل کیفی اثبات شد که روش خاتم کاری معرق یکی از روش های با اهمیت خاتم کاری در دوره قاجار بوده و هنر تا به حال تداوم داشته است. به این ترتیب هنرمندان دوره قاجار ابتدا به وسیله کاردک مخصوص منبت، محل قرار گرفتن نقش ها را روی شیی مورد نظر مطابق طرح می کنند و سپس نقش ها را از چوب های رنگی به وسیله مته ای که اختصاص به تعمیر چینی داشت و سوهان های مخصوص قدیمی و اره ای به نام “چکی” دوربری می کردند و در محل مقرر قرار می دادند.

بررسی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هنر معرق کاری در ایران

هنر معرق کاری، به عنوان یکی از هنرهای برجسته ایران، ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بسیاری دارد. در این مقاله، به بررسی این ابعاد خواهیم پرداخت.



ابعاد فرهنگی هنر معرق کاری در ایران

هنر معرق کاری، به عنوان یکی از هنرهای قدیمی و برجسته ایران، نشان دهنده تلاش ایرانیان در زمینه هنر و صنایع دستی است. آثار معرق کاری، نشانگر فرهنگ و تمدن ایران باستان و همچنین هنر و صنایع دستی ایران در دوران اسلامی هستند. این هنر، در طول تاریخ، به عنوان یکی از عوامل تبلیغاتی و نمایشی فرهنگ و تمدن ایران به دنیا شناخته شده است.

۲-۳ ابعاد اجتماعی هنر معرق کاری در ایران

هنر معرق کاری، به عنوان یکی از هنرهای صنعتی و دستی، در ایران از قدیم تاکنون، مورد توجه و استفاده قرار گرفته است. این هنر، نشانگر تلاش ایرانیان در زمینه صنایع دستی و ایجاد اشتغال برای مردم است. همچنین، تولیدات معرق کاری، به عنوان یکی از منابع درآمد برای خانواده‌های بسیاری در ایران، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ابعاد سیاسی هنر معرق کاری در ایران

هنر معرق کاری، به عنوان یکی از هنرهای برجسته ایران، نشانگر تلاش ایرانیان در حفظ فرهنگ و تمدن خود است. در طول تاریخ، هنر معرق کاری، به عنوان یکی از عوامل تبلیغاتی و نمایشی فرهنگ و تمدن ایران به دنیا شناخته شده است. همچنین، تولیدات معرق کاری، به عنوان یکی از منابع درآمد برای کشور، در اقتصاد و توسعه کشور نقش مهمی دارد.

بنابراین، هنر معرق کاری به عنوان یکی از هنرهای برجسته ایران، ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی بسیاری دارد. این هنر، نشانگر تلاش ایرانیان در زمینه هنر و صنایع دستی است و می‌تواند به عنوان یکی از منابع درآمد برای کشور استفاده شود.

عوامل تاثیر گذار در هنر معرق کاری دوران قاجار از نگاه جامعه شناسی

در این بخش عوامل تاثیر گذار در هنر معرق کاری دوران قاجار از نگاه جامعه شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این عوامل عبارتند از ساختار اجتماعی، نقش و جایگاه هنرمندان و صنایع دستی، حمایت شاهان و حاکمان، و تأثیرات هنر معرق کاری بر جامعه و فرهنگ قاجار.

ساختار اجتماعی دوره قاجار

ساختار اجتماعی دوره قاجار، به عنوان یک عامل مؤثر در توسعه هنر معرق کاری، نقش بسیار مهمی داشت. این دوره مشخصه‌های خاصی از جامعه ایران را نشان می‌دهد، از جمله وجود طبقات اجتماعی مختلف و نقش و جایگاه مشخص هنرمندان در این ساختار. طبقات اجتماعی مختلف، از جمله شاهان، نجیب‌زادگان، مردم عادی و صنایع دستی‌گران، همگی تأثیرگذار بر توسعه و ترویج هنر معرق کاری بودند.



نقش و جایگاه هنرمندان و صنایع دستی

نقش و جایگاه هنرمندان و صنایع دستی در جامعه قاجار بسیار حائز اهمیت بود. هنرمندان و صنایع دستی گران، به عنوان دارندگان دانش و فن ارزشمند در تولید هنر معرق کاری، نقش بسیار مؤثری در توسعه و گسترش این هنر داشتند. آن‌ها با استفاده از تکنیک‌های خاص و استفاده از مواد اولیه متنوع، توانستند آثاری بسیار زیبا و با ارزش در زمینه معرق کاری ارائه کنند.

حمایت شاهان و حاکمان

حمایت شاهان و حاکمان دوره قاجار از هنر معرق کاری نقش بسیار مؤثری در ترویج و توسعه این هنر داشت. شاهان با ایجاد شرایط مناسب برای تولید و نمایش آثار هنری، به رشد و شکوفایی هنر معرق کاری کمک کردند. همچنین، حمایت مالی و فرهنگی از هنرمندان و صنایع دستی گران، تأثیرات قابل توجهی در توسعه این هنر داشت.

تأثیرات هنر معرق کاری بر جامعه و فرهنگ قاجار

هنر معرق کاری به عنوان یک عنصر فرهنگی و هنری بسیار مؤثر در جامعه قاجار بود. آثار معرق کاری، علاوه بر جلب توجه و تحسین مخاطبان، تأثیرات مثبتی بر فرهنگ و هویت ایرانی مردم دوره قاجار داشت. این هنر به عنوان یک نماد از فرهنگ و هویت ملی، در افزایش افتخار و احترام به جامعه قاجار کمک کرد.

نتیجه گیری

هنر دوره قاجاریه به هنر، معماری و همه آثار هنری دوره سلسله قاجاریه که از حدود تاریخ ۱۱۶۰ هجری خورشیدی (۱۷۸۱ میلادی) تا تاریخ ۱۳۰۴ هجری خورشیدی (۱۹۲۵ میلادی) بر ایران حکومت می‌کردند اشاره می‌کند. رونق کارهای هنری در ایران یکی از آثار مثبت آرامش نسبی بود که در زمان حکومت آقا محمدخان و نوادگانش بر این کشور حاکم بود. با کشته شدن او، آشفتگی حاکم بر ایران به سرعت کاهش یافته و فرصت برای شکوفایی دوباره هنر فراهم گردید. در نتیجه، می‌توان گفت که هنر معرق کاری در دوره قاجار، تحت تأثیر عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بود که به آن اجازه داد تا به یکی از برجسته‌ترین و محبوب‌ترین هنرهای دوران قاجار تبدیل شود. نقش و جایگاه هنرمندان، حمایت شاهان و حاکمان، و تأثیرات هنر معرق کاری بر جامعه و فرهنگ قاجار، همگی عوامل تأثیرگذار بودند که این هنر را به یک سطح بالاتر از توسعه و شکوفایی رساندند. این نتایج نشان می‌دهد که برای درک کامل این هنر و تأثیرات آن در جامعه دوره قاجار، لازم است عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به طور جامع مورد بررسی قرار داد.



منابع و مآخذ

- احمدی، حسین، عابد اصفهانی، عباس، و اکبری فرد، مریم. (۱۳۹۲). آسیب شناسی کتیبه معرق سنگ و کاشی خدای خانه مسجد عتیق شیراز. ۳(۵)، ۶۹-۸۱.
- جعفری، پرستو، (۱۳۸۷)، نقاشی ایران از دور [تیموری تا پایان قاجار. مجله کتاب ماه هنر، شماره ۱۲۶، صص: ۴۶-۵۳.
- راودراد، اعظم. (۱۳۷۷). جامعه شناسی هنر و جایگاه آن در حوزه جامعه شناسی معاصر. هنرهای زیبا، ۳.
- رهنورد، زهرا، (۱۳۸۰). جامعه شناسی هنر و نقش ایدئولوژی. هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۹(۱)، ۴-۱۱.
- شایسته فر، مهناز، (۱۳۸۶). حضور واقعه عاشورا در نقاشی دوران قاجار، مجله نگره، شماره ۵، ص ۵-۱۷.
- عرب بیگی، ابوالفضل، سامانیان، صمد، اکبری، عباس. (۱۴۰۲). بازنگری نگرش «انحطاط» هنر قاجار با تأکید بر سفالگری. فصلنامه نگر.
- عرب، سمیرا، حاتم، غلامعلی، و شاهرودی، فاطمه. (۱۴۰۱). مطالعه و تحلیل شیوهی اجرایی خاتم معرق از دورهی قاجار تا دههی اخیر. فصلنامه نگره. ۱۷ (۶۲)، ۱۹-۲۵.
- علیزاده، پریسا، (۱۳۹۵). مطالعه تطبیقی اسلوب های نو در معرق چوب استاد محسن کاوه و استاد شیرانی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علم و هنر.
- گودرزی، مرتضی، (۱۳۸۸)، آینه خیال: تجزیه و تحلیل و بررسی نقوش و تزئینات در هنر دوره قاجار. تهران: انتشارات سوره مهر.